



بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) - 14 / خرداد / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

نوزده سال است که در يك چنین مناسبتی، ملت ایران زمان و مکان را مظهر عشق و ارادت به امام بزرگوار قرار میدهد. اکثر ملت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربار امام بزرگوار را درک نکرده اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده ساله ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه ها و دختر بچه های خردسالی بودند؛ اما همین جوانهای مؤمن و نورانی در سرتاسر کشور آنچنان به امام و یاد او و نام او عشق میورزند که گوئی از همصحبتی با امام برخوردار بوده اند. همانطوری که در دعای سمات میخوانیم: «و امثا به و لم نره صدقا و عدلا»؛ ایمان خالصانه و پاک بدون اینکه دوران حیات آن بزرگوار و صحبت آن بزرگوار را درک کرده باشند؛ مخصوص ملت ما هم نیست. در بسیاری از مناطق جهان و کشورهای مسلمان، همین احساس درباره ی امام بزرگوار ما وجود دارد. این ناشی از دو عامل بزرگ است: یکی عظمت امام و ابعاد گوناگون شخصیت او که يك شخصیت استثنائی در دوران معاصر، بلکه در دورانهای نزدیک به ماست. یکی هم به خاطر عظمت این انقلاب است. عظمتی کاری که امام بزرگوار با ایمان خود، با تدبیر خود، با اراده و عزم راسخ خود در این برهه ی از زمان انجام دادند: برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. این انقلاب يك معجزه ی الهی بود.

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال يك رژیم وابسته ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به طور کامل وابسته ی به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه گرائی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه يك انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه يك انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه يك انقلاب صرفاً سیاسی است؛ يك انقلاب همه جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه روز زنده تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.



امام با سخنان خود، با رفتار خود یک هدایت مستمری را برای امت خود - برای ما مردم - به جای گذاشته است. یعنی دست امام، انگشت اشاره‌ی امام در همه‌ی پیچ و خمهای زندگی ما را راهنمائی میکند و یکی از قویترین و بهترین مواریث معنوی امام، همین وصیتنامه‌ی اوست. جا دارد در برهه‌های مختلف، مردم، مسئولان گوناگون، جوانها این وصیتنامه را بازخوانی کنند؛ در این تدبر کنند. من امروز به مناسبت این اجتماع عظیم و به مناسبت دلهای آگاه و بیدار شما، چند نکته از وصیتنامه‌ی پر نکته‌ی امام را اینجا مطرح میکنم.

نکته‌ی اول این است که امام در وصیتنامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمیتواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسبتر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچکاره و خدا را همه کاره میدانند. این در بیانات امام موج میزند و در وصیتنامه به آن تأکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ی بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهتگیریهای انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بُعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه ستیزی و بیگانه ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمیشود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهیم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضور نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادی بیست ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده اند که با شعور خود، با شور فوق العاده‌ی خود، با علاقه مندیهای خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقاء این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته اند؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای پی در پی - همه - نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهیم در انقلابند و همه سهیم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که



احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمیگردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل میکنند؛ «فمن نکث فائما ینکث علی نفسه». آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ میکنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام میشود؛ افطار میکنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، باطل روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه اش با انقلاب قطع میشود. این بی وفائی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی وفائی کردند، به انقلاب دلبستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. این نکته ی اول.

نکته ی بعدی این است که امام در وصیت نامه اعلام میکند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگوئی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه میکنیم، می بینیم این اتفاق افتاده است. گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست، از راه لشگرکشی نیست، از راه گسترش تروریسم نیست - برخلاف برخی از انقلابهای دیگر - گسترش انقلاب در میان ملتها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است. یعنی ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه ای برساند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه میکنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده اند. این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد.

امروز ملت‌های جهان به ملت ایران نگاه میکنند، از ملت ایران نیرو میگیرند، انگیزه میگیرند، انرژی میگیرند. امروز شعارهای ضد استکباری ملت ایران در همه ی دنیای اسلام گسترش پیدا کرده است. امروز شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که حرکت کنید، با هرگونه رژیم، با هرگونه دستگاه حاکمه ای، می بینید ملت‌های آنها به شعارهای شما، به انگیزه ها و آرمان‌هایی که شما ترسیم کردید، با چشم عزت و احترام نگاه میکنند؛ شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملت فلسطین، دشمنی با شبکه ی اختاپوسی صهیونیسم. این دل ملت‌های مسلمان است؛ این گسترش انقلاب اسلامی است. حتی شما می بینید این شعار انرژی هسته ای ملت ایران - اینی که ملت ایران در مقابل فشار دشمنان ایستادگی به خرج داد و حق خود را مطالبه کرد - امروز در دنیای اسلام آنچنان منعکس شده که سخنگویان کشورهای اسلامی و عربی اعلام میکنند که خواست انرژی هسته ای به خواست عمومی ملت‌های عرب تبدیل شده است.

دشمنان و دوستان ملت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله ی آنها مسئله ی آرمان فلسطین است. ملت‌ها دلشان مانند ملت ایران برای ملت فلسطین میتپد؛ ملت‌ها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را یک رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولت‌ها با ملت‌ها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیروئی ندارد، قدرتی ندارد، توانائی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سر پا نگه داشته است: یکی حمایت بی قید و شرط و قیحانه ی آمریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولت‌های عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومت‌ها و دولت‌های مسلمان، امروز آنچنان که باید به وظیفه ی خود



در قبال فلسطین عمل نمیکنند و با ملت‌هایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملت‌های خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملت‌هاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود.

نکته‌ی سوم که در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سال‌های متمادی دشمنان اسلام تبلیغ میکردند. دشمنان اسلام اینجور وانمود میکردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت پیدا کند، باید از دین دست بکشد، باید برود به دامن غرب و خود را سر تا پا به رنگ غربی در بیاورد تا بتواند پیشرفت کند. این را به عنوان یک باور در طول ده‌ها سال به ملت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه‌ی خود تأکید میکند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد.

امروز ملت ایران خود را باور دارد؛ در میدان علم وارد میشود، در میدان سیاست وارد میشود، در هر میدانی که ملت ایران بجد وارد میشود، در صفوف مقدم ملتها قرار میگیرد. وضع امروز ملت ما در نوآوری‌های علمی، در قدرت سیاسی، در عزت بین‌المللی، با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ این ملت بیدار شده است، زنده شده است؛ این به خاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هر چه در ملت زنده تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه‌میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی را ترسیم کرد. ملتها تصور میکردند یا باید عقب مانده بمانند یا باید غرب زده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غرب زده هم نشود؛ اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هر چه میتوانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکاء به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود میتوانید همه‌ی موانع را از سر راه بردارید.

یکی از علل دشمنی استکبار و توطئه‌های جهانی با ملت ایران در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما می‌بینید در همان حالی که آمریکاییها پیشقراولند و بعضی از اروپاییها هم دنباله‌رو آمریکا در ضدیت با دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار می‌برند، می‌روند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب مانده تر هستند و بسیار با ملت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای می‌بندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودش شود، آن را برای آن ملت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز ما، ملت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضد وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملتها که دولتهای مستکبر به آنها میدهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملت ایران که خود از درون می‌جوشد، ابتکار میکند، نوآوری میکند، خودش خلاقیت و تولید میکند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران، با این دشمنند.



نکته ی دیگری در وصیت نامه ی امام (رضوان الله علیه) وجود دارد که بسیار مهم است و آن توجه به جنگ سرد و عملیات روانی دشمن است. دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی میزند؛ برای مایوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملت‌ها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملت‌های مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی قدرت مقاومت در مقابل این ملت را نداشته اند. این جنگ روانی از اولین روزهای انقلاب تا امروز که سی سال میگذرد، همچنان ادامه دارد. گاهی میگفتند این انقلاب تا دو ماه دیگر بیشتر نمیماند، گاهی میگفتند تا دو سال دیگر بیشتر نمیماند. امروز سی سال است که این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روزبه روز ملت ایران را منسجم تر، پرامیدتر، پرنرژی تر کرده است.

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکلهای مختلفی انجام میدهند. میخواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاوراند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده اند. آنها پیشرفتهای عظیم ملت را انکار میکنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است - در تاریخ انقلابها که انسان نگاه میکند، این همه موانع در راه يك ملت و يك انقلاب بسیار بندرت دیده میشود و انقلابها معمولاً پشت این موانع میمانند و خود را تسلیم دشمن میکنند - و با این همه تهدید، با تحریم، با انواع و اقسام دشمنیها و حيله ها و کارشکنیها توانسته است پیش برود، قله ها را فتح کند؛ همچنان چشم به قله های بالاتری دارد و همچنان با قدرت پیش میرود. میخواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند. من به جوانان عزیزمان؛ جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه ی صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض میکنم: شما در نیمه ی راه هستید و آنچه از راه گذرانیده اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده است؛ اما توانسته اید. آن نیمه ی دیگر راه و آن بخش باقیمانده ی راه را - که دشمن میخواهد نگذارد شما آن نیمه ی اصلی، نیمه ی آخر را طی کنید و به قله ها برسید - با عزم راسخ میتوانید دنبال کنید. شما میتوانید؛ همچنانیکه ثابت کرده اید که میتوانید.

امروز ملت ایران با عزت و صلابت در مقابل مستکبرین ایستاده است و آنها کاری نتوانسته اند بکنند. آنچه توانستند، در شرق و در غرب کشور ما تلاش کردند، شاید بتوانند کشور را محاصره کنند. با هوشمندی ملت ایران و با ایمان ملت ایران و انسجام ملت ایران بحمدالله کار استکبار - کار دشمنان ملت ایران در شرق و غرب مرزهای ما - به اقتدار هر چه بیشتر جمهوری اسلامی منتهی شد که امروز خودشان هم به آن اعتراف میکنند.

يك نکته ی دیگر در وصیتنامه ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه های که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان يك کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش برنده ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این يك جهاد بزرگ، يك حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده ی راسخ و لازم را دارد. امروز



مبارزه ی با توطئه های سازمان یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه ی بسیار خطرناکی است. مبارزه ی با آن در درجه ی اول بر عهده ی خودِ آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه های علمیه، هم به قاطبه ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب نگهداشتن ملت است. همه ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.

یک نکته ی اساسی دیگر در وصیتنامه و در بیانات امام، مسئله ی مواجهه ی با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می بینید آمریکاییها نسبت به همه ی جهان ابراز طمع ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملتها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگوئی و گردن کلفتی و حرف نشنوی و حق ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگوئی تشویق میکند. تسلیم ملتها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوئیهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگوئی بیشتر است. برای ملتها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی ماند و آن مقاومت است. اگر یک ملتی میخواهد شر زورگوئی زورگویان - و امروز شر آمریکا - را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگوئی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران آمریکا - رئیس جمهور و تیم دور و ورش - ببینید چه جوری حرف میزنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدمهای روانی است؛ گاهی تهدید میکنند، گاهی دستور ترور میدهند، گاهی تهمت میزنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک میکنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار میدهند؛ مثل دیوانه ها به این طرف و آن طرف میزنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامیهای آمریکا در مناطق مختلف است: ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق؛ اینها با وعده ی دموکراسی و آزادی و حقوق بشر وارد افغانستان و عراق شدند. امروز بعد از گذشت چند سال، وضعیت این دو کشور جوری است که هیچ ملتی آرزو نمیکند چنین وضعیتی داشته باشد؛ ناامنی، عقب افتادگی، فقر، تسلط روزافزون قدرتهای استکباری، پنجه انداختن به منافع ملی آن کشورها و نادیده گرفتن حقوق آن ملتها و البته پشت سرش ناکامی کامل در تأمین مقاصدی که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامیها در رفتار سیاستمداران آمریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم گیریهایشان. این وضع زورگویان عالم است. خوب، در مقابل این زورگوئی چه باید کرد؟ توصیه ی امام، ایستادگی است. امروز خوشبختانه، مجموعه های گوناگون سیاسی کشور ما از وفاداری به خط امام دم میزنند؛ این یک پدیده ی مبارکی است. در برخی از دوره های گذشته اینجور نبود. بعضی از جریانهای سیاسی از رویگردانی از خط امام صریحاً سخن میگفتند! امروز خوشبختانه مجموعه های سیاسی در کشور ما، همه از گرایش به افکار امام و خط امام حرف میزنند. خیلی خوب، یکی از برجسته ترین نقاط خط امام که در وصیت نامه و در همه ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزان و مستکبران است.



این موضع را ملت ایران و همه ی مجموعه های گوناگون و نخبگان کشور که پایبند به امام و وفادار به آراء و افکار امام هستند، باید با قوت تمام حفظ کنند؛ خود امام اینجور بود. امام هیچ وقت به خاطر ملاحظه ی زورگویان عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئله ی فلسطین به عنوان يك مسئله ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیتنامه و بیانات خود به ندای یا للمسلمین ملت‌های مظلوم اهمیت میدهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر. این روش امام است؛ این خط امام است؛ این شیوه ی امام و این توصیه و وصیت امام است. خوشبختانه این روش را ملت ایران و مسئولین کشور دنبال کردند و سی سال است که در هر میدانی که شما ملت ایران با استکبار آمریکا مواجه شدید، شما پیروز شدید و دشمن شما مغلوب و دچار باخت شد.

البته دشمن آرام نمیماند؛ دشمن به تلاش روانی خود و تلاش سیاسی خود ادامه میدهد. دشمن تهمت میزند. امروز در دنیا، دیگر تهمتهای آمریکائیا و صهیونیستها به ملت ایران و به جمهوری اسلامی خریداری ندارد. تهمت نقض حقوق بشر، آن هم از ناحیه ی کسانی که شدیدترین نقض حقوق بشر را کردند و در ترور مظلومان و در تجاوز به ملت‌ها پست ترین مقام را دارند و نمره ی آنها سیاه ترین نمره هاست. اینها ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را متهم میکنند به نقض حقوق بشر! این اهمیتی ندارد. یا درباره ی مسئله ی هسته ای، ملت ایران بارها اعلام کرده است که ما دنبال سلاح هسته ای نیستیم؛ این را همه میدانند؛ منطق هم همین را تأیید میکند. امروز آمریکائیا وقتی میخواهند درباره ی مسئله ی هسته ای ایران حرف بزنند و موضعگیری کنند، چون نمیتوانند صریحاً حق ملت را نادیده بگیرند و اعلام کنند که با حق يك ملت مخالفند، برای توجیه حرف خودشان در افکار عمومی دنیا، ایران را متهم میکنند که به دنبال تسلیحات هسته ای است. خودشان هم میدانند که دروغ میگویند؛ خودشان هم میدانند که این حرف دروغ است. امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولین عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته ای نمیروند. و ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با اینجور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته ای جز هزینه ی ایجاد و هزینه ی نگهداری هیچ فایده ای ندارد. تسلیحات هسته ای برای يك ملت قدرت نمی آورد؛ چون قابل اجرا و قابل استفاده نیست. آن کسانی که امروز بمب هسته ای دارند، خودشان خوب میدانند که اگر دست از پا خطا کنند و این سلاح هسته ای را به کار بیندازند، آنچنان دامن خودشان را خواهد گرفت - همچنانی که يك روز تروریستها را تقویت کردند، دامن خودشان را گرفت - که دیری نخواهد گذشت که تروریستهای دنیا به سلاح هسته ای دست پیدا کنند و امنیت را از همه ی مستکبران عالم و از همه ی ملت‌ها بگیرند. میدانند که سلاح هسته ای کاربرد ندارد. این را خوب میفهمند؛ اما درعین حال ملت ایران را متهم میکنند. نه؛ ملت ایران به دنبال سلاح هسته ای نیست؛ به دنبال استفاده ی صلح آمیز از انرژی هسته ای است در مسائل زندگی؛ و این راه را دنبال خواهد کرد و به کوری چشم دشمنان با قدرت تمام به این خواهد رسید.

یاد امام، یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران است؛ یادآور اسوه شدن و قدوه شدن ملت ایران برای همه ی امت اسلامی و ملت‌های مستضعف است. یاد امام نیرو بخش است؛ امیدبخش است. این یاد را باید زنده نگه داشت و راه امام و خط امام و انگشت اشاره ی امام و نشانه هائی را که امام برای پیمودن این راه قرار داده است، باید قدر دانست؛ از همه بیشتر جوانها و مسئولین کشور باید به مسئله ی توصیه های امام و وصیتنامه ی امام به چشم يك دستورالعمل نگاه کنند.

امروز قوای ثلاثه و مسئولان گوناگون کشور - اعم از نظامی و غیر نظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی - باید



دستورالعمل کار خود را همین وصیتنامه ی امام و راهنمائیهای امام قرار بدهند. عزت ملت ایران، امنیت پایدار ملت ایران، رشد و توسعه ی مادی ملت ایران، اعتلای معنوی و اخلاقی ملت ایران، در گرو عمل کردن به این توصیه هاست.

پروردگارا! تو را به ارواح طیبه ی شهیدان و ارواح طیبه ی امامان بزرگوار سوگند میدهیم ملت ایران را در پیمودن این راه موفق بدار؛ روزبه روز عزت ملت ایران را بیشتر کن. پروردگارا! از این اجتماع و از دلهای ملت ایران و از دل و زبان ما هدایای معنوی برای روح مطهر امام بزرگوار ما ببر؛ رحمت و مغفرت و فضل خود را بر روح مبارک امام نثار بفرما. پروردگارا! شهیدان که پیشروان این راهند، با اولیائت محشور بگردان. پروردگارا! همه ی خدمتگزاران، همه ی ایثارگران، همه ی تلاشگران این راه حق و حقیقت را مشمول لطف و رحمت و هدایت و دستگیری خود قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس امام زمان را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را به معنای حقیقی کلمه سرباز آن بزرگوار قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته